

آموزش اولیا ضرورت اعتلای

توجه به خانواده در نظام کنونی جهان جایگاه ویژه و برجسته‌ای یافته است، دلیل این امر به شرایطی برمی‌گردد که این نهاد به لحاظ تربیتی بر اعضا و افراد خانواده می‌گذارد و فقدان اصالت و استحکام و خطر ازهم پاشیدگی آن، جامعه جهانی را تهدید می‌نماید.

به راستی چرا خانواده و ارکان آن تا این اندازه در مرکز توجهات جهانی قرار گرفته است و چرا صاحب نظران اجتماعی از آن به عنوان یک نهاد تربیتی مؤثر در بنیاد اجتماعی، جامعه یاد می‌کنند؟ چرا آموزش اولیا در چهارچوب نظام خانواده تا این حد اهمیت یافته است که مربیان و اندیشمندان تربیتی از آن به عنوان جزء لاینفک آموزش‌های لازم در جامعه یاد می‌کنند؟

در پاسخ به مواردی که ذکرش رفت باید اذعان نمود که اولاً: خانواده یک نهاد یا موسسه تربیتی است، واقعیت آن است که شخصیت هر فرد در خانواده شکل می‌گیرد. روابط عاطفی پدران و مادران با فرزندان خود اهمیت و نقش آن را روشن می‌سازد، ادراک ارزش‌های معنوی و اخلاقی، رشد اجتماعی، رشد عاطفی و رشد عقلانی و بدنی در حدی وسیع در خانواده صورت می‌گیرد. خانواده را باید نهادی مقدس و باارزش تلقی نمود.

دستور ادیان الهی در تشکیل خانواده و در آراستن خانواده به فضائل معنوی و اخلاقی در حفظ و انسجام خانواده و در تحکیم مناسبات انسانی در آن، ارزش این نهاد را مدلل می‌سازد.

تجربیات اولیه فرد در خانواده در شکل دادن به نگرش او نسبت به افراد و گروه‌های مختلف در جامعه بسیار مؤثر می‌باشد، موقعیت اجتماعی خانواده مرکز تعامل و تأثیر متقابل افراد بر همدیگر است، این تعامل موجب تغییر رفتار فرد می‌شود.

ادامه حیات خانواده مستلزم سازگاری، همکاری، توافق و تبادل تجربه می‌باشد، تجربیات فرد در خانواده، در شکل دهی نگرش فرد در جامعه نیز کاملاً تأثیر دارد.

خانواده

دکتر علیرضا عصاره

خانواده نهادی است که عواطف فرد در آن شکل می‌یابد. نحوه بروز و کنترل عواطف آموخته می‌شود و فرد نیازهای عاطفی خود را در آن تأمین می‌نماید.

واقعیت آن است که هیچ نهادی همچون خانواده در تأمین نیازهای روانی فرد به ویژه نیازهای عاطفی مؤثر نیست، جو عاطفی خانواده در اشکال مختلف در روابط اعضای خانواده با یکدیگر تجلی می‌یابد.

منشأ تفکر و اندیشه افراد نیز به خانواده برمی‌گردد، در خانواده‌ای که نسبت به مشکلات و حل آنها حساسیت وجود دارد، افراد با تشخیص مشکلات و در نظر گرفتن امکانات، گزینش راه حلها براساس امکانات موجود و انتخاب راه حلی مطلوب، شیوه مناسب فکری را برمی‌گزینند. شیوه احترام به همدیگر و حق اظهار نظر و نقشی که به عهده هر کس قرار دارد، شیوه تفکر فرد را سامان می‌دهد. شکیبایی و حوصله در برابر عقاید^۱ و آرای مختلف و بررسی و گزینش مناسب‌ترین عقیده^۲ از ویژگیهای شیوه تفکر مطلوب به حساب می‌آید^۳، اغماض و تحمل اندیشه مخالف، رشد قدرت اندیشه فرد را روشن می‌نماید. نیازهای اساسی روانی افراد همچون نیاز به محبت، نیاز به فرصت ابراز وجود، نیاز به احترام، نیاز به امنیت، نیاز به نظم در زندگی، نیاز به هدف، نیاز به تسلط به محیط زندگی، نیاز به داشتن وجدان اخلاقی نیاز به تشکیل خسانواده و ارضای تمایلات جنسی و اجتماعی، در خسانواده‌هایی که روابط اعضای آنها به صورتی معقول و انسانی ظاهر می‌گردد به خوبی تأمین می‌گردد.

در یک خانواده سالم اعضا از محبت‌های یکدیگر برخوردارند، منزلت و موقعیت اجتماعی افراد روشن است همه افراد فرصت ابراز وجود دارند و می‌توانند نظریات خود را ابراز دارند، همه اعضا از احترام برخوردارند و موقعیت سنی یا جنسی و نقش عضو در خانواده در حفظ حرمت افراد دارای نقش نمی‌باشد و همه اعضای خسانواده از امنیت روانی برخوردارند.



موارد فوق نشان می‌دهد که نقش تربیتی خانواده چه اندازه بوده و آگاهی به شرایط تربیتی و اختصاصات رفتاری تا چه میزان بر روند تربیتی اعضای آن مؤثر است.

ثانیاً آگاهی و معرفت به شیوه‌های تربیتی و بروز رفتار متناسب از سوی والدین با فرزندان در روند رشد هوشی، جسمی، عاطفی و اجتماعی آنان تأثیر می‌گذارد.

شواهد نشان می‌دهد که برخوردهای والدین با فرزندان به ویژه در مهالهای پایین کودکی بر رشد استعداد های کودکان تأثیر فراوان دارد، گورتزل (۱۹۶۲) معتقد است محیط خانوادگی دوران کودکی همه کسانی که سرانجام انسانهای برجسته‌ای می‌شوند آکنده از عشق به یادگیری است.

محققین بر اهمیت برتر جنبه اجتماعی و تأثیرات قطعی (مساعد یا نامساعد) محیط خانوادگی و محیط اجتماعی - اقتصادی بر خلاقیت تأکید کرده‌اند (میناکاری ۱۳۷۰).

بر اساس یافته‌های پژوهشی مشخص شده است که خلاقیت کودکان خواه پسر و خواه دختر در خانواده‌هایی که دارای جو عاطفی مطلوب می‌باشند بیش از پیش شکوفا شده و محیط مناسبی برای رشد و پرورش این توانمندی شناختی فراهم می‌گردد، این یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد پدران و و مادرانی که با یکدیگر روابط صمیمانه‌ای دارند به نیازهای جسمی عاطفی، روحی و روانی فرزند خویش توجه لازم را مبذول می‌دارند، تحقیقات نشان می‌دهد تأثیر جو عاطفی مطلوب بر خلاقیت دختران به مراتب بیش از پسران می‌باشد^۶ این تحقیقات نشان می‌دهد که بین اختلافات خانوادگی و محیط ناآرام خانواده و اکت تحصیلی فرزندان همبستگی با معنایی وجود دارد^۷ والدین بی‌تفاوت و غیر معقول و غیرمسئول بیش از هر کس دیگری بهداشت روانی کودک خود را به خطر می‌اندازند و الگوی رفتاری مناسبی برای کودک خود نیستند.^۸

هریت (۱۹۸۲) معتقد است که درون

نظام خانوادگی رشد اخلاقی و استفاده از استدلال از جمله متغیرهای اساسی هستند که در پیشگیری از اختلال کردار می‌توانند مؤثر باشند.^۱

چرا آموزش اولیا؟

در خانواده والدین در موضعی هستند که می‌توانند به گونه‌ای رفتار کنند که نتیجه آن هدایت رفتار کودک باشد بنابراین هنگامی که کودک رفتار نامطلوب در منزل نشان می‌دهد دلیل آن می‌تواند واکنش‌های نامناسب یا ناهمسان والدین باشد. در واقع والدین ممکن است نادانسته رفتار نامناسب فرزند خود را تقویت کنند. ازاین رو اصلاح رفتاری والدین، پیش‌نیازی است بر اصلاح رفتاری کودک، که ضرورت آموزش والدین را ایجاب می‌کند. دلیل دیگر برای آموزش اولیا به جای کار با کودک این است که والدین بیشترین وقت خود را با فرزند خود سپری می‌کنند ازاین رو تأثیر رفتار والدین روی رفتار کودک به مراتب بیشتر از تأثیر روابط درمانگر بر کودک است، که البته این امر در باره مربیان و معلمان مدارس نیز صدق می‌کند. یکی از هدفهای مهم آموزش اولیا ایجاد تغییرات مناسب در رفتار آنها در زمینه ارتباط اولیا با فرزندانشان می‌باشد. اکثر تظاهرات عاطفی را فرزند از والدین فرا می‌گیرد^{۱۱} الگوهای متفاوت در رفتار والدین به واکنش‌ها و عکس‌العمل‌های مختلف فرزندان که گاه سازگارانه و گاه ناسازگارانه است می‌انجامد. در آموزش اولیا عقیده اصلی بر آن است که والدین در هر سنی می‌توانند فرا گیرند و به توسعه مهارت‌های خود بپردازند.^{۱۱}

اصولی که کانتور^{۱۲} در زمینه آموزش اولیا ارائه می‌نماید نه تنها مؤید این نوع آموزش‌هاست بلکه میزان علاقه‌مندی و تمایل والدین را به لحاظ حضور در این آموزش‌ها روشن می‌سازد.

کانتور درمسل اول آموزش اولیا می‌گوید: والدین قدرت فراگیری دارند، چون در جلسات آموزش گروهی والدین، اطلاعات گوناگون در زمینه‌های متعدد بین





آنها با بهره‌گیری از چنین اطلاعاتی هر گونه اختلال در روند رشد هوشی، اجتماعی یا جسمی و عاطفی فرزندان خود را متوجه و در فرصت لازم و مقتضی با بهره‌گیری از مشاوره‌های کلینیکی به رفع مشکل خواهند پرداخت.

همچنانکه اشاره شد آموزش و پرورش فرزندان در محیط مناسب خانوادگی، یعنی محیطی که به لحاظ آگاهی و معرفت اولیا از شرایط عاطفی مناسب برخوردار می‌باشد و والدین بر نحوه رفتار با همدیگر و نیز با فرزندان بر اساس شیوه‌ها و معیارهای تربیتی عمل می‌کنند و فرصت‌های لازم برای تأمین نیازهایی چون ابراز وجود، محبت، احترام، نظم، امنیت، وجدان اخلاقی، تمایلات جنسی و اجتماعی را فراهم می‌نمایند، شیوه‌های تفکر و اندیشه صحیح ترویج می‌گردد و آموزش و پرورش خلاق و پویا با سلامت جسمانی و روانی لازم حاصل خواهد شد.

بنابراین با قاطعیت نمی‌توان اظهار نمود که آموزش اولیا و آگاهی بخشیدن به تمامی پدران و مادران هم بنیان زندگی خانوادگی را استحکام و اصالت خواهد بخشید و نظام آن را متعالی خواهد نمود و هم آموزش و پرورش فرزندان را ارتقا بخشیده و به تعالی کیفی آن کمک مؤثر خواهد نمود.

والدین رد و بدل می‌شود که موجب توسعه و گسترش دانش و بینش والدین می‌گردد، به علاوه از طریق مشارکت در کلاسها والدین با عقاید و تجربیات مختلف و افکار جدید آشنا می‌شوند و کاربردهای هر روش را فرا می‌گیرند.

اصل دوم کانتور می‌گوید: والدین علاقه‌مند به فراگیری هستند، اگر آنها در رابط با فرزند خود با مشکلی روبرو شوند چون می‌خواهند فرزندانشان در آینده فردی موفق و خوشبخت باشند، لذا می‌خواهند به هر ترتیبی راه حل مناسبی برای مشکل پیدا کنند. حتی اگر والدین به تنهایی قادر به یافتن راه حلی نباشند از دیگران کمک خواهند گرفت، بدین جهت چون والدین دوست دارند و می‌خواهند روشهای مبارزه با مشکلات و رفتارهای نامناسب کودک را فرا می‌گیرند باید امکاناتی برای یادگیری آنها به وجود آید یکی از امکاناتی که یادگیری آنها را می‌افزاید شرکت در کلاسهای آموزش اولیا است.

کانتور در اصل سوم اعتقاد دارد، اولیا آن چیزی را یاد می‌گیرند که دوست دارند یا پیروی از این اصل مهم موضوع بحث در کلاسهای آموزشی باید برای همه شرکت کنندگان جالب باشد و سرانجام دراصل چهارم آموزش اولیا آمده است: والدین زمانی چیزی را یاد می‌گیرند که به تجربه روابط آنها با فرزندانشان مربوط باشد.

به جز خواصی که بر آموزش اولیا به لحاظ ارتباط و رفتار آنها با فرزندانشان، مترتب می‌باشد، آگاهی والدین از نحوه رفتار آنها با همدیگر بر خوشایندی زندگی و استحکام و دوام خانواده خواهد افزود، و با آرامش و نشاط بخشیدن به جو خانواده و بهبود شرایط عاطفی، بر میزان خلاقیت فرزندان و آرامش روحی و روانی آنها افزوده خواهد شد. در آموزش‌های اولیا اطلاعاتی و آگاهی‌های تربیتی در زمینه سلامت جسمی و روانی و شاخص‌های رشد جسمی، عاطفی، هوشی و اجتماعی در اختیار والدین قرار خواهد گرفت. بنابراین

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- دکتر شریتمنداری - طی مجسمه مقاله کنگره سال جهانی خانواده، ۱۳۷۳
- ۲- همان منبع
- ۳- رب اشرح لی صدری و پسرلی امری و احل عقده من لسانی قرآن کریم
- ۴- فشر عبادالذین یشمون القول فیتبون احسنه
- ۵- سال ۱۹۹۵ از طرف ملل متحد به عنوان سال و تحمل و اغماض از جهت باورهای دیگران نامیده شده است
- ۶- تأثیر آموزش اولیا بر تغییر رفتار و نگرش نسبت به فرزندان
- ۷- بررسی میزان همبستگی بین اختلافات خانوادگی و افت تحصیلی تحقیق از فریا مومنی
- ۸- دکتر شریتمنداری روانشناسی تربیتی
- ۹- منبع شماره ۶
- ۱۰- منبع شماره ۶

